هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

ضرورت اقدامات عاجل در برابر خشک سالی ص۲

روابط ناسیونالیست های پشتون پاکستان با طالبان آن کشور ص۲

نگاهی به وضعیت رسانه ها درافغانستان ص۳

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ سوم شنبه ۱۸ جوزا ۱۳۸۷ – ۲ جمادی الثانی ۱۴۲۹ – 07, Jun 2008

خاطراتی از پروفیسور ربانی برهان الدین



رهبر نهضت اسلامی مجبور به هجرت می شود

پروفیسور برهان الدین ربانی در مصاحبه با تلویزیون نور به مناسبت هشتم ثور سالروزپیروزی جهاد مردم افغانستان بیان داشته اند، در بخش دوم به روایت جریان هجرت خویش به پاکستان پرداخته اند که خدمت خوانندگان هفته نامهٔ مجاهد تقدیم می شود ادامه در ص۵

برنامهٔ سرشماری به تعویق افتاد

برنامهٔ سرشماری نفوس که قرار بود در ماه اسدسال جاری به مرحلهٔ اجرا گذاشته شود، تا دوسال دیگر به تعویق افتاد.

عبدالرحمان غفوری رئیس ادارهٔ مرکزی احصائیه روزچهارشنبه در یک نشست خبری ضمن اعلام تأخیر برنامهٔ سرشماری درکشور، گفت: کمیتهٔ ملی سرشماری به همکاری هیأتی از جامعهٔ بین المللی تحقیقاتی را درمیان مردم انجام داد، که با استناد به آن شورایٔ وزیران فیصله کرد که اجرای این برنامهٔ تا دوسال دیگر به تاخیرانداخته شود.

مقامات دولتی دلیل تاخیر برنامهٔ سرشماری را بی امنیتی درکشور وهمزمان شدن ثبت نام جهت انتخابات با پروسه سرشماری ذکر کرده اند. پیش از این گروه های در ولایات جنوبی مانند قندهار، ننگرهاروهمچنان برخی ازوکلای آن ولایات با راه اندازی محافلی خواستار به تعویق افتیدن این برنامه شده بودند. اما در مقابل منتقدان سیاسی حکومت و برخی از رسانه ها، مقامات عالی حکومت را به اخلال این برنامه متهم کردند.

جبههٔ ملی نیزتاخیر برنامه سرشماری را کار گروه های سیاسی دانسته بود، هرچند جبههٔ ملی از گروه های مشخصی نام نبرد ، اما فاضل سانچارکی سخنگوی جبههٔ ملی گفته بودتمام حرکت های که به منظور تأخیربرنامهٔ سرشماری صورت می گیرد از سوی یک گروه با نفوذ در دولت آقای کرزی رهبری می شوند، درعین زمان جبههٔ ملی خواستار اجرای برنامهٔ سرشماری در وقت تعین شدهٔ آن گردیده بود.

سرانجام گروه های مخالف اجرای برنامه سرشماری موفق شدند که این برنامه را به تعویق اندازند. وشورای وزیران درجلسهٔ هفته گذشته خویش فیصله کردکه برنامهٔ سرشماری در کشور تا دوسال دیگر به تأخیربیفتد.

زندانی امریکا در قصر ریاست جمهوری!

وحید مژده

در کنفرانس مطبوعاتی داکتر غیرت بهیر که در تالار وزارت اطلاعات وفرهنگ برگزار گردید، به غیر از خبرنگاران تعداد اندکی از دوستان دیروز وی شرکت کرده بودند. لااقل سه گروه از هواداران پیشین حزب اسلامی حکمتیار در کابل حضور دارند، اما کسی از اعضای اصلی این سه گروه در تالار دیده نمی شد، کسانی که گردانندگی این کنفرانس را به



عهده داشتند داکتر غیرت را همراهی می کردند، اعضأ و یا اشخاص وابسته به حکومت بودند.

فقط امریکائی ها بودند!

بهیر در مورد دستگیر خود در پاکستان که شش سال قبل صورت گرفت و از شکنجه هائی که در این شش سال تحمل کرده بود، سخن گفت اما، ظاهرا وی شکوه از پاکستانی ها نداشت. او گفت در پاکستان توسط امریکائی ها دستگیرگردید، و بازپرسی وی نیز بوسیلهٔ آنها صورت گرفت. ادامه درص۲

فرمانده جدید نیروهای آیساف تعیین گردید

فرماندهی نیروهای آیساف به روزچهارشنبه طی مراسم ویژه یی که در کابل برگزارگردید ازجنرال مک نیل به جنرال دیوید مکرنن تعلق گرفت.

ا این مراسم در مقرفرماندهی نیروهای آیساف برگزار شده و شماری از مقامات ارشد دولتی به شمول حامدکرزی رئیس جمهورشرکت داشتند. حامدکرزی که دراین مراسم سخنرانی کرد، جنرال دان مک نیل را یکی از سربازان شجاع خواند وکارکرد های او را در زمان تصدی فرماندهی نیروهای آیساف ستود، آقای کرزی نقش دان مک نیل را در آموزش ارتش ملی کشوربا ارزش توصیف کرد.

آقای کرزی خطاب به فرماندهٔ جدید آیساف گفت: ما با تروریزم مواجه هستیم ولی درکنار هم استوارانه تلاش خواهم کرد تا به هدف خود که همانا صلح وامنیت درافغانستان است دست بیابیم. ادامه درص۸



اعتیاد در میان زنان افزایش یافته است ص۶

اقتصاد کم کربن شعار روز جهانی محیط زیست در سال ۲۰۰۸



روزجهانی محیط زیست که هر سال پنجم جون(۱۶جوزا) در سراسر جهان برگزار می شود. امسال این روز با شعار"به سوی اقتصاد کم کربن" وبا هدف مسؤولیت پذیری در برابر پدیدهٔ آب وهوایی برگزار می شد.

روزجهانی محیط زیست یکی از ابزارهای مهم برنامه زیست محیطی سازمان ملل در ایجاد آگاهی عموم مردم جهان نسبت به شرایط محیط زیست وتوجه به تخریب ها ونتایج آن بر زندگی وسلامت انسان است.

برنامه زیست محیطی سازمان ملل متحد طی اعلامیه های منتشرشده اعلام کرده است که با توجه به ضرورت توجه به معضل انتشارگازهای گلخانه یی وافزایش روند گرم شدن زمین این شعار با عبارت:

"عادت را رها کنید! به سوی یک اقتصاد کم کربن از تمام مسؤولان، مردم کشور ها وکمپانی ها واجتماعات مختلف تقاضا دارد با تمرکز بر این موضوع توجه خود را بر روش های کاهش کاربن در محیط واعمال این روش ها متمرکز کنند.

این شعار علاوه بر شرکت ها اقتصادی وصنعتی وخدماتی شامل مسایل مرتبط با سبک زندگی ونگرش های موجود در مصرف نیز هست که مسایل مهمی را نظیراستفاده از انرژی های کارآمدتر جایگزین منابع سوخت غیرفسیلی، ادامه درص۸

په نړیواله کچه د ماشومانو د ژوند په باب لنډه څرګندونه

محمد قدوس



دې کې شک نشته چې د ماشومانو نړۍ له لویانو بیله ده، په دې مانا چې د ماشومانو هیلې، غوښتنې او ارزوګانې له لویانو سره توپیر لري، د ماشومانو د ژوند نړۍ هغه هیلې او غوښتنې جوړوي چې د دوی د ماشوموتوب نړۍ له فکر او خیال سره سمون لري. هو! د کوچنیانو نړۍ له لویانو بیله ده، پاتې ۷ مخ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم

شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹

Website: www.mujahid1357.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

ضرورت اقدامات عاجل در برابر خشک سالی

سال گذشته دولت ادعا نمود که افغانستان در تولید غله جات به خود کفایی فاصله چندانی ندارد. وزارت زراعت با این اعلان، گویا ادعا داشت که توانسته است با اجرای برنامه های موثری کشاورزی را توسعه داده و کشور را از صف وارد کنندگان مواد غذایی خارج سازد. در آن زمان تنها وزارت زراعت افغانستان بود که نمی دانست یا نمی خواست اعتراف کند که جمع آوری محصولات نسبتا کافی کشاورزی در سال گذشته نه کار دولت افغانستان بلکه، لطف الهی و آسمانی بود که برمردم فرود آمد، باران های به موقع و فراوانی آب، افزایش تولیدات زراعتی مخصوصا گندم را فراهم ساخته بود. دولت زمانی می تواند ادعا کند که افغانستان را در تولید موادغذایی به خود کفایی نزدیک کرده ویا تولیدات کشاورزی را افزایش داده است که چند طرح بزرگ آبیاری و مدرن ساختن زراعت را اجرا نماید، درحالی که همه می دانند، چنین کاری اتفاق نیفتاده است.

امسال متاسفانه باز، خشکسالی کشور ما را فراگرفته و باعث نگرانی شدید مردم فقیرافغانستان گردیده است.

باید بدون تأخیر و از دست دادن فرصت کمک به مردم، اقدام گردد، دولت دراین زمینه باید در دو بخش برنامه هایی را آماده سازد. برنامه های بلند مدت و برنامه های کوتاه مدت.

برنامه های بلند مدت

اقتصاد ۸۰ در صد مردم افغانستان متکی بر کشاورزی و دامداری است، به علت داشتن آب های نسبتا کافی سطحی، زمینهٔ توسعه کشاورزی و دامداری در افغانستان بیش از دیگر عرصه های اقتصادی مساعد تراست. ما می توانیم در زمان کوتاه، از یک وارد کنندهٔ فراورده های غذایی وحیوانی به صادر کنندهٔ مهم این فراورده ها تبدیل شویم. دولت باید توسعه زراعت را در رأس برنامه های توسعهٔ اقتصادی افغانستان قرار دهد.با ایجاد بندهای بزرگ و مهار سازی آب های جاری افغانستان، می توان در پهلوی توسعه زراعت، انرژی مورد نیاز کشور را نیز فراهم ساخت وبا توجه به افزایش نرخ نفت وگاز، این بهترین گزینه تولید وتهیه انرژی می باشد، افزون براین، توسعهٔ زراعت باعث گسترش ساحات سبز وپوشش گیاهی وجنگلی درکشورشده در رشد اقتصادی و بهبود محیط زیست مساعدت می نماید.

در پهلوی آبیاری زمین ها، مدرن سازی سامانهٔ کشاورزی، باغداری، دامداری و فراهم ساختن زمینهٔ صدور آن باید، از برنامه های اصلی دولت باشد. در این زمینه انچه لازم به تذکر است این که درتوزیع زمین، و شهرک های جدید، باید از اجرای برنامه های جابجای و کولونی سازی های ضد ملی و تعبیض گرایانهٔ حکومت های پیشین جداً اجتناب صورت گیرد.

برنامه های کوتاه مدت

دولت باید بدون ضیاع وقت برای کاهش اثرات خشک سالی، جلوگیری از بی جا شدن مردم و کمک در عرصهٔ کشت و زراعت در سال ۱۳۸۸، اقدام نموده. قبل از آن که فاجعهٔ انسانی در پیمانهٔ وسیع تری صورت گیرد، جلو آن گرفته شود.

به منظور جلوگیری از بی جا شدن مردم و کاهش اثرات ویران گر خشک سالی، باید در مناطق آسیب دیده برنامه های تهیه و توزیع ادامه در ص۳

روابط ناسیونالیست های پشتون پاکستان

با طالبان آن کشور

ابوبکر سبزوار



معاهدهٔ صلح میان دولت پاکستان و طالبان در آن کشور موجب نگرانی دولت افغانستان و امریکا شده است. یکی از مقامات ناتو اظهار نمود که پس از این معاهده در میزان خشونت ها در افغانستان ازدیاد قابل ملاحظه بعمل آمده است. مولوی عمر سخنگوی بیت الله محسود نیز بصراحت اعلام داشت که طالبان از این ببعد بجای جنگ با نیروهای پاکستانی،به گفتهٔ وی جهاد علیه نیروهای صلیبی در افغانستان خواهند پرداخت.

سال گذشته دولت افغانستان باشعار امیدواری بسیار و صرف وقت وپول هنگفت به تدویر جرگهٔ امن منطقه پرداخت. در این جرگه در کنار کسانی که بوسیلهء دولت پاکستان فرستاده شده بودند، جمعی از رهبران قوم گرای پشتون که ظاهرا مدافع موقف افغانستان بودند نیز شرکت کردند. به باور دولت افغانستان این افراد بعنوان اپوزیسیون دولت پاکستان و دارای اثر و نفوذ در مناطق قبایلی می توانند به تامین امنیت در افغانستان کمک کنند.

جرگه بدون دسترسی به نتیجه به پایان رسید و فقط توصیه شد تا دولت افغانستان با مخالفین مسلح خویش مذاکره نماید. کاری که از قبل نیز دولت در آن جهت تلاش های بی ثمری را تجربه کرده بود.

این جرگه را آقای کرزی به توصیهٔ گروه خاصی ازحکومت دایر کرد که اکثراعضای گروه از خارج آمده اند واطلاعات چندانی از وضعیت پاکستان ندارند. آنها تحت تأثیر القاءات جنگ سرد در دههٔ شصت وهفتاد میلادی، هنوزهم به مسالهٔ تضاد های قومی پشتون و پنجابی و بلوچ وسندی در پاکستان توجه داشتند بدون اینکه این حقیقت انکار ناپذیر را درک کنند که این اختلافات در پاکستان درچهارچوب منافع ملی مطرح می شود. هرپشتون در پاکستان قبل از اینکه پشتون باشد، پاکستانی است.

در کمپاین انتخاباتی اخیر در پاکستان، مسئلهء امنیت در پاکستان وراههای رسیدن به آن از مسایل مهم مورد توجه رای دهندگان بود. گروه های مخالف مشرف از جمله ناسیونالیست های پشتون در این انتخابات به رای دهندگان وعده دادند که در صورت رسیدن به قدرت، از راههای مسالمت آمیز سعی خواهند کرد تا در کشور صلح به میان آید. آنها بصراحت گفتند که طالبان در مناطق قبایلی پشتون های پاکستانی اند و باید با آنها مذاکره صورت گیرد.

این اعلام موضع در حقیقت مخالف موضع پرویز مشرف بود که طرفدار شدت عمل علیه طالبان بود و دولت امریکا نیز از این موضع جانبداری می کرد. تنها گروهی که وعدهء مبارزهء نسبتا روشن علیه تروریسم را داده بود حزب مردم به رهبری خانم بوتو بود که خود وی قبل از انتخابات بشکل مرموزی کشته شد.

پیروزی نشنل عوامی پارتی در پاکستان را بیش از دیگران دولت افغانستان استقبال کرد. مشاورین آقای کرزی از پیروزی پشتون ها در صوبهء سرحد زیاد ذوق زده شدند و گمان کردند که دیگر مشکل نا امنی در افغانستان حل خواهد شد. آنها ساده اندیشانه گمان می کردند که شکست هواداران طالبان در این انتخابات به معنی شکست کامل طالبان خواهد بود.

اما تحولات جدید پس از انتخابات نشان داد که پاکستانی ها قطع نظر از وابستگی های تباروگرایش های سیاسی، تاچه حد به منافع ملی خویش وفادار اند.

****

اختلافات در پاکستان درچهارچوب منافع ملی مطرح می شود. هرپشتون در پاکستان قبل از اینکه پشتون باشد، پاکستانی است.

اما نشنل عوامی پارتی از بستن پیمان صلح با طالبان از مولانا فضل الله گرفته تا بیت الله محسود- کسیکه متهم به قتل خانم بوتوست- حمایت نمود. این حزب اعلام داشت که از آرمان های پاچا خان پیروی می کندکه حامی سیاست عدم تشدد در پاکستان بود.

دولت افغانستان که از این حالت جدید در پاکستان غافلگیر شده است نمی تواند بصراحت از دولت جدید در پاکستان انتقاد نماید. مشرف طرفدار جنگ با طالبان بود، همیشه از طرف دولت افغانستان به علت صداقت در جنگ علیهٔ تروریزم بشدت مورد انتقاد قرار داشت.

اما تحولات جدید پس از انتخابات نشان داد که پاکستانی ها قطع نظر از وابستگی های تباروگرایش های سیاسی، تاچه حد به منافع ملی خویش وفادار اند. حکومت جدید پاکستان اکنون بار دیگر مسئلهء حصار کشی در امتداد دیورند را در برنامهء کاری خود دارد که بار دیگر مخالفت دولت افغانستان را برانگیخته است.

دولت افغانستان همچنان به ریشه های تروریسم در خاک پاکستان اشاره می کند که باید از میان برده شود، اما پاکستانی ها می دانند که امریکا در این منطقهٔ مهم استراتژیکی ، فقط پاکستان را دارد که نزدیک ترین متحد غیر ناتوئی امریکاست. بخش بزرگی از اکمالات لوژستیکی نیروهای خارجی از طریق خاک پاکستان صورت می گیرد و در عین حال، منافع و اهداف دراز مدت امریکا در این منطقه ایجاب می نماید تا پاکستان از امریکا راضی باشد.

پاکستانی ها با آمدن امریکا به افغانستان، روابط دو جانبه دو جانبه را با آنها برقرار کرده اند. آنها می دانند که امریکا قادر به آوردن فشار بیشتر بر پاکستان نیست زیرا اگر پاکستان را از دست بدهد، دیگر امکانی برای پیروزی در جنگ علیه تروریسم وجود نخواهدداشت.

یاران امریکا در جنگ علیه تروریسم، به تدریج به مشکلات این نبرد پی می برند و ازمدتها قبل عدم تمایل آنان برای حضور در سنگر های نبرد افغانستان به مشاهده رسیده است. امریکا که به تدریج خود را در این جنگ تنها احساس می کند، بیش از پیش باید به پاکستان امتیاز بدهد.

پس نباید انتظار داشت که در وضعیت سیاسی وامنیتی منطقه و افغانستان تغییر مثبتی رونما گردد واین داد و فریاد های مقامات افغانی که باید امریکا به ریشه های تروریسم در منطقه توجه نماید، مانند گذشته گوش شنوائی نخواهد داشت.



نگاهی به وضعیت رسانه ها در کشور

استاد عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

درتاریخ افغانستان، ازنظرکمیت هیچگاه رسانه های شنیداری ودیداری، به این پیمانه وجود نداشته است، هر چند این رسانه ها، مانند دههٔ دموکراسی فقط قشرباسواد را تحت پوشش قرار میدهد وفعالیت های آن ها فقط در شهرهای بزرگ مخسوس است، با آن هم وجود این همه رسانه های صوتی ودیداری یکی ازواقعیت های موجود کشور ماست، رسانه ها به مثابه رکن چهارم دولت ها محسوب می شود، وظیفهٔ رسانه ها در جهت آگاهی مردم نقش اساسی دارد. یک انسانی که درباغچه ومزرعه خود کارمی کند ویا درسفر قرار دارد، می تواند از مفاد رسانه های شنیداری چون رادیو وامثال آن استفاده کند، این شخص از این وسیله شنیداری می تواند افزون برحوادث روزمره، برمیزان آگاهی خود بیفزاید.

به قول بیدل:

می کند یک دیدهٔ بیدار کارصدچراغ
روزنی زین خانهٔ تاریک بردل واکنید

اما باید توجه داشت که غیر از کمیت موضوع کیفیت نیز مطرح است، رسانه ها وقتی می توانند در دل مردمان دردمند وخسته راه یابند وتأثیر گذارباشند که دارای بیان روشن، شفاف وبه دورازدغدغه های سیاسی وجوسازی بی مورد بوده باشد، بیان واقعیت ها، نقدهای اجتماعی سیاسی وفرهنگی، مطبوعات را به قلوب مردمان نزدیک می سازد.

درشرایط کنونی افغانستان که اندیشه های تب دار ومریض از در ودیوار کشوردرحال سرازیرشدن است، باید مطبوعات حافظ ارزش های ملی واسلامی دربرابر هجوم فرهنگ های دیگرباشد. مطبوعات ورسانه ها نباید، خود موجب بی وتخدیر افکارجوانان وبی ثباتی فرهنگی درجامعه گردد.

رسانه ها رسالت پاسداری از ارزش های جامعه وفرهنگ را نیز بدوش دارند.

رسانه ها از هرنوع که باشند حزبی، شخصی، انجویی، دولتی ... درگام نخست در برابر زبان های ملی ورسمی کشور مسؤولیت دارند، تا زبان آن ها شسته ومطابق اصول ومعیارهای نویسندگی باشد.

در شرایطی که نقد وبررسی درمطبوعات کشور وجود ندارد، ارایهٔ هرخام وپخته به عنوان نوشته وکلام، ضربهٔ سنگینی به زبان های رایج کشور خواهدبود، زیرا زبان مال مردم است وچونان تحفه یی از سوی خداوند به آن ها فرستاده شده است. دیده می شود که برخی از تلویزیون ها، رادیوها ونشریه ها به سنگر تخریب زبان ها تبدیل گردیده است. امروز برخی از گویندگان در رادیوها وتلویزیون ها واین بازار آشفته فرهنگی را آشفته تر ساخته اند. امروز کم نیستند رسانه های شنیداری ودیدنی که به زبان وبارمعنایی آن توجه نمی کنند ارایهٔ اطلاعات موثق وبی طرفانه مسؤولیت دیگر رسانه هاست. تعدادی از رسانه ها به ارایهٔ گزارش های دروغین، ناصواب می پردازند ودر مقام دفاع از حاکمیت برخاسته اند، سیاه را سفید وسفید را سیاه می نویسند وحاضراند درتفاهم با زورمندان وحلقات حاکم جامعه صغری وکبری سازی کنند وذهنیت های عامه را چنان هدف قرار دهند که تشخیص راست از دروغ غیرممکن گردد، درحالی که جعل حقایق، مخدوش کردن افکارمیزان علاقمندی مردم را از رسانه ها محدود می سازد ومردم حق دارند به چنین رادیو ها، تلویزیونها ورسانه ها گوش فراندهند ورق نزنند، زیرا عطش مردم در آنست که به اطلاعات حقیقی دست رسی پیدا کنند، امروز تعدادی از رسانه در کشورما وسایر کشورها تحت شعار آزادی بیان گزارش های آمیخته با دروغ را درمیان مردم پخش می کنند که گفته می شود، حتا تاریخ نویس را درآینده به مشکل مواجه می سازد.

امروز در بسیاری از رسانه ها نبود گزارش های تحلیلی، تخصصی وطرح اندیشه محسوس است. وظیفهٔ مهم واساسی برخی از رسانه فقط انتقاد از وضعیت موجود در کشوراست، فحش، ناسزا، بی برنامگی وعدم کفایت مدیران نظام را همه روزه می نویسند، این چیزی است که حتا خبازان وحتا رانندگان تکسی آن را عنوان می کنند، درحالی که وظیفهٔ رسانه ها ست، باید به آگاهی و ذوق پروری سالم مردم نیز بپردازند. درصورتی که یک چنین زمینه ها کمتر در برخی از رسانه های شنیداری ودیداری دیده می شود ونبود این زمینه ها میان مردم ورسانه ها فاصله ایجاد کرده است.

امروز افغانستان درحال گذار به سوی یک جامعه با ثبات است، این مرحله جامعه نیاز به رسانه های نیرومند وتأثیرگذار در سطح کشور دارد تا بتواند پایه های تئوریک این گذار را به راستی تشریح وتوضیح نماید. ونبود یک چنین رسانه های تأثیرگذار ونیرومند درشرایط کنونی افغانستان محسوس است.

ضرورت اقدامات عاجل ...

غذا و آب به افرادی که شدیداً در معرض تهدید قرار گرفته اند، اجرای برنامه های غذا در برابر کار، غذا در برابر تعلیم، فروش مواد غذایی با سبسایدی، حفر چاه ها، توزیع علوفه برای دامداران به مرحلهٔ اجرا در آید.

اگر چنانچه مردم از مناطق خویش بی جا شوند، خانه ها و مزارع آنها تخریب می شود، بی جا شدگان در معرض تهدیدات صحی و امنیتی قرار می گیرند و به آسانی نمی توانند به خانه ها و محل زیست قبلی خویش برگردند.

در پهلوی اجرای برنامه های جهت جلوگیری از بی جا شدن مردم، برنامه های دیگر در جهت از میان بردن اثرات خشک سالی، در سال ۱۳۸۸ روی دست گرفته شود، توزیع رایگان تخم های بذری و کود، توزیع این مواد به صورت قرضه به دهقانان، ایجاد تعاونی های دهقانی به منظور اجرای این برنامه ها، دادن قرضه به دهقانان جهت خریداری ماشین آلات و حیوانات مورد نیاز باید از جملهٔ این برنامه ها باشد.

اکنون که دولت جهت اشتراک در کنفرانس پاریس آمادگی می گیرد، باید توسعهٔ زراعت و مقابله با خشکسالی را در رأس برنامه های خویش قرار داده و تلاش نماید تا تعهدات کشورهای کمک کننده را در زمینه به دست آورد.

زندانی امریکا در قصر ...

برخلاف عبدالسلام ضعیف که در کتاب خویش (تصویری از گوانتانامو) پاکستانی ها را در دستگیری خویش مقصر اصلی می داند. وی شکایتی از پاکستان عنوان نکرد، خانوادهٔ بهیر هنوزهم در پاکستان زندگی می کند وخود وی نیز بزودی به دیدارخانواده اش به آنجا خواهد رفت.

آقای بهیریاد آوری کرد که شش ماه در پنجشیر زندانی بوده است، اما از جبههٔ متحد نیز شکایتی ابراز نکرد. او مدعی شد که در پنجشیر هم امریکائی ها از وی بازپرسی کردند. این موضوع این سوال را مطرح می کند که آیا امریکائی ها در پنجشیر نیز زندان دارند؟

بهیر مدتی را هم در زندان مخفی امریکائی ها در میدان هوائی بین المللی کابل گذرانیده است که مدعی است این زندان متعلق به سازمان (سیا) می باشد.

نزدیک ترین شخص به حکمتیار

غیرت بهیر داماد حکمتیار است، قبل از دستگیری، نزدیک ترین شخص به وی بشمار می آمد. به همین دلیل دستگیر شدنش در پاکستان زیاد تعجب برانگیز نبود. غیرت را می توان شاگرد ممتاز حکمتیار بشمار آورد. در نخستین کنفرانس مطبوعاتی، تلاش های خبرنگاران برای دریافت پاسخ های روشن ودل خواه، به جائی نرسید. او گفت که تازه از زندان آزاد شده و در جریان وقایع سیاسی قرار ندارد.

عذر سکرتر سابق رهبر حزب اسلامی از نظر خبرنگاران در این مورد زیاد موجه تلقی نشد، بخصوص گریز از جواب به این سوال که آیا رهائی وی نوعی پیام حسن نیت به حکمتیار نیست؟

طبیب اسامه بن لادن

بهیر که در اصل دکتور طب است در مورد اتهامات متنوعی که از جانب امریکائی ها بروی وارد آمده بود نیز سخن گفت. یکی این اتهام این بوده است که دکتور معالج اسامه بن لادن می باشد. از وی صد ها بار پرسیده شد که اسامه از کدام بیماری ها رنج می برد و آخرین بار وی را در چه زمان و در کجا تداوی کرده است!

پیام حسن نیت کرزی به حکمتیار

مدتی قبل یکی از نزدیکان حکمتیار نامهٔ وی را به رئیس جمهور کرزی آورد که در آن طرحی برای تامین صلح در افغانستان پیشنهاد شده بود. هرچند در این نامه حکمتیار برای پیوستن به دولت اظهار نظر صریحی نکرده بود. اما همین تماس نیز فرصتی مغتنم برای نشان دادن حسن نیت از جانب دولت بود. آزادی آقای بهیر رامی توان تلاشی در همین جهت به حساب آورد.

فشار بر جبههء ملی

در شرایطی که حدود یکسال به انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان باقیست و به تدریج چهره هائی برای شرکت در این رقابت مشخص می شوند و بخصوص موضع جبههٔ ملی در مخالفت با کرزی، موجب گردیده تا رئیس جمهوردر تلاش جلب حمایت مردم بخصوص در جنوب پرآشوب برآید. منطقه ای که در آن حزب اسلامی حکمتیار روزگاری از قدرت فراوان برخوردار بود.

در عین حال رئیس جمهور کرزی با این کار پیامی به جبههٔ ملی دارد؛ او می خواهد به جبههٔ ملی بفهماند که گزینه های دیگری را نیز در اختیار دارد که با استفاده از آن می تواند قدرت جبهه را به چالش بکشد. در مهمانی روز چهارشنبه در انترکانتی ننتال، حتی از ولایات دوردست نیز افراد با نفوذ دعوت شده بودند که بوضوح نقش مشاورین آقای کرزی در این دعوت دیده می شد. تعداد مهمانان از گنجایش هوتل بیشتر بود و این گردهمائی نوعی قدرت نمائی از جانب آقای کرزی در برابر مخالفین سیاسی اش تلقی گردید. سه گروپ حزب اسلامی که در کابل حضور دارند و در گذشته روابط زیاد حسنه با هم نداشته اند در این گردهمائی یکجا با هم دیده می شدند.

زندانی در قصر ریاست جمهوری

غیرت اولین زندانی آزاد شده از زندان امریکائی هاست که کرزی وی را در قصر ریاست جمهوری جای داده موتر ضد گلوله در اختیار وی گذاشته است. بهیر در اولین کنفرانس مطبوعاتی خویش از حامدکرزی بخاطر تلاش های وی در جهت آزادی خود ابراز سپاس کرد. هرچند می دانیم که آقای بهیر در اختیار امریکائی ها بود و آزادی وی از زندان بدون جلب موافقت امریکائی ها قابل تصور نیست.

آیا حکمتیار باز خواهد گشت؟

در جبههء مخالف دولت افغانستان و یاران خارجی اش دو گروه درگیر جنگ وجود دارد؛ طالبان وجنگجویان وابسته به حزب اسلامی. این دو گروه هرچند در مواردی با هم اختلاف نظر دارند اما هردو یک پیش شرط مشترک را برای مذاکره با دولت عنوان کرده اند؛ خروج بی قید وشرط نیروهای خارجی از افغانستان.

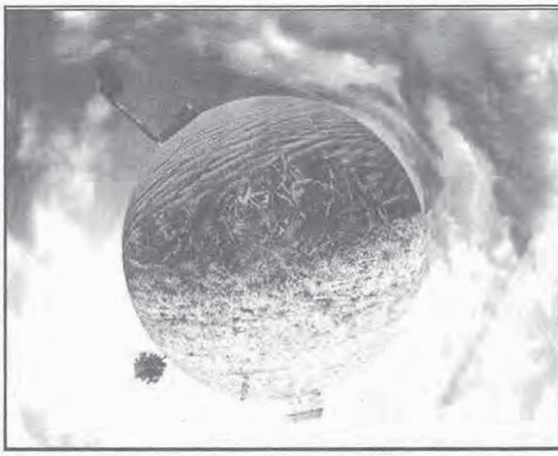
در حالیکه طالبان نشان داده اند مخالفین سرسختی اند، اما حکمتیار در موارد متعددی نشان داده است که زبان تفاهم وحتی معامله با دشمنان را می داند. گاهی تصامیم ناگهانی حکمتیار در تغییر موقف، حتی برای نزدیکترین همکارانش نیز غیر منتظره بوده است. حکمتیار در گذشته این جرئت را داشته است تا با دشمنان پیشین خویش دریک صف قرارگیرد.

آزادی غیرت بهیر به همین امید صورت گرفته است، اما یک سوال عمده در این رابطه هنوز هم بی جواب است و آن اینکه اگر فرض را براین بگذاریم که حکمتیار آماده، بازگشت هم باشدوبا آقای کرزی اتحاد کند آیا امریکایی ها آماده خواهند شد، نام وی را از لست تروریستان بین المللی خارج سازند؟

در شرایطی که حدود یکسال به انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان باقیست و به تدریج چهره هائی برای شرکت در این رقابت مشخص می شوند و بخصوص موضع جبههٔ ملی در مخالفت با کرزی، موجب گردیده تا رئیس جمهوردر تلاش جلب حمایت مردم بخصوص در جنوب پر آشوب بر آید.

مسلمانان از اوج عزت تا حضیض ذلت

دکتور شمس الحق آریانفر



متفکر بزرگی اسلامی علامه اقبال می گوید :

دیروز مسلم آیت اقبال و مکرمت
امروز گو چه شد که چنین نا مکرم است
دیروز مسلم از شرف علم سربلند
امروز پشت مسلم و اسلامیان خم است
دیروز محرم حرم غیر مسلمین
امروز بین چه در حرم خود نه محرم است
آن اقتدار خود چه شد وین انکسار چیست
آنرا چگونه مبدا واینش چه مختم است

اسلام به عنوان دین برتر و کامل خداوندی و مسلمانان به عنوان راهیان و مبلغان صراط توحید و رستگاری، روزگاری نظام و مدنیتی را آفریدند که بشریت را به اعجاب واداشت. آن گاه که طوایف پراگنده و طفیلی و بت پرست، در پرتو توحید به ملت بزرگ تبدیل و رستاخیز عظیم تمدنی و فرهنگی را به زایش نشست، نیروی تحرک ،باروری اسلام تسجیل گردید.

دانشمندی می گوید: مسلمانان در بیست و پنج سال بعد از رحلت پیامبر، ایران، سوریه، ار منستان، آسیای مرکزی ،مصر، شمال افریقا را فتح کردند و در شرق تا رود سند رسیدند.

می گویند عقبه یکی از سرداران اسلام، در غرب به ساحل شمال افریقا رسید و باکشتی به دریا پیش رفت. چون زمینی نیافت، برگشت و اظهار تأسف کرد که دیگر زمینی نیست تا به نام خدا مسخر کند. مسلمانان با این روحیه امپراطوری پهناوری ایجاد کردند.

از فرغانه تا یمن و از رم تا دریای فارس وب حر هند. قلمروی بود که به مسلمانان تعلق داشت.

داکتر گوستالوبون فرانسوی می نویسد: تمدن کشور پهناور اسلام قرنها از اقیانوس اتلس تا اقیانوس هند و از مدیترانه تا ریگستان های افریقا امتداد داشت.

" اتلس تاریخ اسلامی " نشان می دهد که اسلام، بر اکثریت سرزمین های آباد آن روز حکمروا بود و قسمت اعظم آسیا، افریقا و بخشی از اروپارا در ا قتدار خود داشت. در آن کتاب می خوانیم: روزگاری اسپانیا، بلغارستان، بوسنی، گرجستان، صربستان، ایتالیا، بالکان داغستان، جزایر بالتار، تاشکند، آلبانی، ترکستان، مجارستان، هندوستان، ارمنستان، مغولستان، قسمت هایی از روسیهٔ یوگوسلاوی، فرانسه و... زیر فرمان مسلمین قرارداشت و تنها آنان یکه تاز این مناطق بودند. آری این بارقهٔ اسلام بود که به قول نهرو: صحرا گردان بیابان عربستان را حکمرانان مغرور یک امپراطوری عظیم نمود.

فتوحات مسلمانان در پرتو دین اسلام، بافتوحات چنگیز و اسکندر و استعمار گران و دیگر کشورکشایان نبود روح توسعه طلبی آنها را به این کار واداشته باشد.

مسلمانان در پرتو آیین و حرکت خویش، تمدن عظیم و باشکوهی را ایجاد کردند که هنوز بشریت از آن فیض یاب است و برترین مدنیت در تاریخ تمدن بشری است.

بایسته است در این روزگار که دشمنان اسلام، شکوه آفرینش و ارزشهای اسلام را انکار می کنند و با این ترفند می خواهند ارزش های لرزان خویش را که پیش از بارور شدن ،شکسته اند، جاگزین سازند، عظمت تمدنی و فرهنگی اسلام و اثر گزاری آن را بر غرب یاد آور شویم.

قبل از همه سخنی را به یاد داشته باشیم که دشمنان اسلام عنوان می کنند، اسلام ارمغانی برای بشریت نیاورده است و مسلمین در پیشرفت فرهنگ و تمدن انسانی، نقشی به عهده نداشته اند.

این وارونه سازی واقعیت ها و مسخ حقایق که روح علمی و وجدان بشری را جریحه دار می کند در حالی بیان می شود که مستقیم و یاغیر مستقیم علم می گردد که اسلاف همان منادیان، ضد آن را بیان داشته اند. بطلان این دید گاه را از نظردانشمند غرب بیان می داریم. گوستالوبون می نویسد: تا مدت ۵۰۰ سال مدارس اروپا روی کتب و مصنفات مسلمین دایر بود. همان ها بودندکه اروپا را از لحاظ علم و عمل و اخلاق، تربیت کرده در طریق تمدن داخل نمودند.

دکترماکس میر هوف می گوید: "در جنگ های صلیبی، مسلمین به پز شکان اروپایی می خندیدند. زیرا معلومات بسیار ابتدایی و بسیط داشتند... علوم شرق مانند باران رحمت بر خاک خشک اروپا بارید و آن را حاصل خیز نمود. کم کم اروپاییان باعلوم شرق آشنا شدند، کتاب هایی در جراحی، امراض زنانه و ناخوشی های چشم نوشتند." این سخن ویل دورانت که تاریخ تمدن را برای غرب و جهان نوشته است قابل دقت است که می گوید : "اسلام طی پنج قرن از ۸۱ هجری تا ۵۹۷ =۷۰۰ تا ۱۲۰۰ م از لحاظ نیرو و نظم و بسط قلمرو و اخلاق نیک و تکامل سطح زندگانی و قوانین منصفانهٔ انسانی و تساهل دینی و ادبیات و تحقیق علمی و علوم طب و فلسفه پیشاهنگ جهان بود."

همانگونه که گوستالوبون می نویسد: تا قرن پانزده قولی را که مأخوذ از مسلمین نمی بود مستند نمی شمردند ،تمام دانشکده ها و دانشگاه های اروپا تا پنصد الی شش صد سال روی ترجمهٔ کتاب های دانشمندان اسلامی دایر بود و مدار علوم مردم اروپا، فقط علوم مسلمین بوده است."

با این یادکرده های اندک وگزیده بر می گردیم به این اصل که اگر اسلام بار آورچنین شکوه و عظمت است که مسلمین را فرمان روان خرد و سیاست و جهان داری ساخت، امروز چرا مسلمانان چنین خوار و ذلیلند. آن بایستگی از چه بوده و این پستی و خواری از چیست؟ مجد و شکوه اسلام را پژوهشگران، ناشی از روح اسلام و روحیات و عملکرد مسلمین می دانند.

اسلام دین فطرت است و به گونهٔ طبیعی هر انسانی نیاز های طبیعی و فطری خود را در آن می یابد، دساتیر اسلام ساده، متین و بی پیرایه ارایه شده است که هر مسلمانی به آسانی در می یابد و معتقد می گردد. اسلام دینی است که عقل و وجدان را اقناع می کند، دینی که با عقل، استدلال و عاطفه استوار است. دینی که یقین می آفریند و بر گمان و تقلید تکیه ندارد. ولتر از قول بولین ویلی یه می گوید: "آیین محمد چنان خردمندانه است که برای تبلیغ آن هیچ نیازی به جبر و قهر نیست، کافی است که اصول آن را به مردم بفهمانند تا همه با آن بگرایند. اصول دین محمد چنان باعقل سازگار است که در مدت کمتر از پنجاه سال، اسلام در قلب نیمی از مردم روی زمین جا گرفت.

برنادشاو می نویسد: من همیشه نسبت به دین محمد به واسطهٔ خاصیت زنده بودن شگفت آورش، نهایت احترام داشته ام، به نظرمن اسلام تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط را بر حالات گوناگون و صور متغیر زندگی و مواجه با قرون مختلف را دارد. من چنین پیش بینی می کنم که ایمان محمد مورد قبول اروپای فردا خواهد بود.

روحیات مسلمانان که در پرتو ایمان استوار، بردبار، مذاکره و بانشاط و با ارادهٔ شجاعانه عمل می کردند. ایمان را در عمل تبارز می دادند، با همهٔ ملل جهان و انسان ها خوشرفتار بودند و یک پارچگی جامعهٔ اسلامی را حفظ می نمودند. عوامل دیگری بود که پیروزی های اسلام و مسلمین را سبب گردید.

عوامل عقب ماندگی:

اسلام که با روح زنده و سازنده به میدان امده بود در کمترین فرصت بیش از نیم قرن جهان را آباد و زمان را در تسلط خویش در آورد. آرام آرام عقب کرد و امتی که جهان را هدایت می کرد. نیازمند گردید. نمونهٔ کامل این نیازمندی و ذلت پذیری ملت مسلمان و مجاهد افغانستان است که پس از رشادت ها و شهادت ها، گرفتار خواری و خفت گردیده است. وضعیت امروزین خویش وعقب ماندگی جهان اسلام را، با معیارهای عهد شگوفایی اسلامی و موازین اسلام به توزین می آوریم تا عوامل خفت پذیری اسلام و جامعهٔ خویش را در شرایط حاضر در یافته باشیم.

یکی ازعوامل را انحراف از مسیر اصلی اسلام دانسته اند. واقعاً مسلمانان امروز دساتیر اسلام را فراموش کرده اند، در رفع نیاز های خویش توسل به خدا را فراموش کرده به غرب پیوسته اند و موازین غیر اسلامی را در عمل و زندگی، جانشین قرآن و دساتیر آسمانی کرده اند.

به یاد دارم در زمان مقاومت در یکی از مجالس، برادری از تخریب و توطئه های غرب سخن گفت و یاد آور شد: ما را نمی گذارند. ما مسلمانیم و همهٔ این مشکلات را از این می کشیم که می خواهیم مسلمان باشیم. یکی از رهبران گفت: من فکر می کنم مشکلات ما از آن جا ناشی می شود که ما از اسلام فاصله گرفته ایم. اگر واقعاً اسلامی عمل کنیم این رنج ها دور می گردد. نمی دانم امروز چه باور دارند.

عامل دیگری را در زهد گرایی و ترک دنیا می دانند که در بسیار ی، از بخش ها افرادی مردم را از پویای و تحر ک باز می دارند.

تخریب و فرقه گرایی: این، عامل در جامعهٔ ما بیداد می کند. همهٔ دعوای اسلام داریم و به نام اسلام مسلمانان را می کشیم. جالب تر از همه اسلام طالبان است.که فقط فرزندان مسلمانان را می کشند و با خارجی و کفر خارجی تبانی دارند. این عمل به خود خود اسلام را ضربه می زند.

تجمل گرایی، عامل دیگری است که دامن همه مسلمانان و مدعیان رهبری اسلام و داعیه داران اسلامی را گرفته است.

تقیه و بی تفاوتی در برابر نادرستی ها و خود را از کنار مسایل رد کردن، می تواند عامل. دیگری باشد که جامعه اسلامی را در برابر عملکرد کفر جهانی بی تفاوت ساخته است. همه می خواهند خود را نگهدارند، همه با عصای احتیاط حرکت می کنند که اسلام و جامعهٔ اسلامی ضربه های هولناک را متحمل می گردد. خوشگذرانی ها، رهبری های غلط، و داخل کردن اباطیل در اسلام عوامل دیگری از انحطاط مسلمین و به خصوص در جامعهٔ ماست.

و اما اساسی ترین عامل حضور و هجوم استعمار است. استعمار وقتی به کشور روی کرد، تنها با برچه و سر نیزه نمی آید، هزار و یک ترفند دیگر را با خود دارد که به وسیلهٔ عمال خود، در جامعه پیاده می سازد و ریشهٔ اسلام و مسلمین را می کند. در جامعهٔ خویش می توانیم این ویژگی را به صراحت مشاهده کنیم. نخست از همه استعمار چنیین خواهد کرد:

با تبلیغ و تطمیع و تهدید، صفوف مسلمانان را بر هم می زند و وحدت جامعهٔ اسلامی را نا بود می سازد.

تلاش مداوم صورت می گیرد که مسلمانان پیشینهٔ پر افتخار اسلامی خود را فراموش کنند و از دنیای کفر الگو برداری نمایند. آرام آرام چهرهٔ اسلام را مسخ می کنند، قسمی که جوانان باورمند می گردند که واقعاً در اسلام رستگاری نیست و باید به ارزش های غرب متوسل شوند. باتمام امکان تلاش می نمایند تا دین و سیاست از هم جداست و مرد مسلمان را ناگزیر می سازد بر خلاف عملکرد پیامبرش که پیشوای دین و سیاست بود، در اعمال سیاسی خود از دساتیر اسلام دوری کند، به دین معنا که اسلام سیاست ندارد و یا نمی تواند در عرصهٔ سیاست درست عمل نماید که ضربهٔ بزرگ به اسلام است.

نشان داده می شود یا ذرایع مختلف که در دین اسلام با فرهنگ و تمدن و بادانش مخالف است که ناگاهان زود فریفتهٔ این امر میگردند.

الغای قوانین اسلامی در زندگی، امر دیگری است که در همه عرصه های زندگی در جامعه خویش شاهد، ان هستیم تا آنجا که در افغانستان امروز از اسلام جز نام جمهوری اسلامی چیزی دیگر نداریم و همهٔ عملکردها غیر اسلامی و مأخوذ از منابع غرب است.

ایجاد سرگرمی های اضافی، ایجاد جنگ های زرگری، مصروف ساختن ما به تفرقه های مذهی و قومی و محلی و غیره می تواند عوامل دیگری باشد که ما را از اسلام دور ساخته است.

اگر می خواهیم جامعهٔ خویش، اسلام و مسلمین را نجات دهیم، حد اقل در جامعهٔ افغانستان، باید بدون تأخیر چند کار را نمایم: با جدیت تمام در شناخت و معرفی اسلام راستین عمل کنیم، همه نهادها خود را مصروف این بخش سازند، تا از نسخ اسلام جلوگیری شود، وحدت خود را منسجم بسازیم و دریک صف فشرده. از همه امکانات در جهت نجات اسلام و جامعهٔ اسلامی کاربگیریم، خود و جامعهٔ خویش را نیرومند سازیم، با تجهیز کامل مادی و معنوی می توانیم از این ذلت وخواری نجات یابیم. امید است همهٔ ما این اصل را درک نماییم.

بایسته است در این روزگار که دشمنان اسلام، شکوه آفرینش و ارزشهای اسلام را انکار می کنند و با این ترفند می خواهند ارزش های لرزان خویش را که پیش از بارور شدن ،شکسته اند، جاگزین سازند، عظمت تمدنی و فرهنگی اسلام و اثر گزاری آن را بر غرب یاد آور شویم.

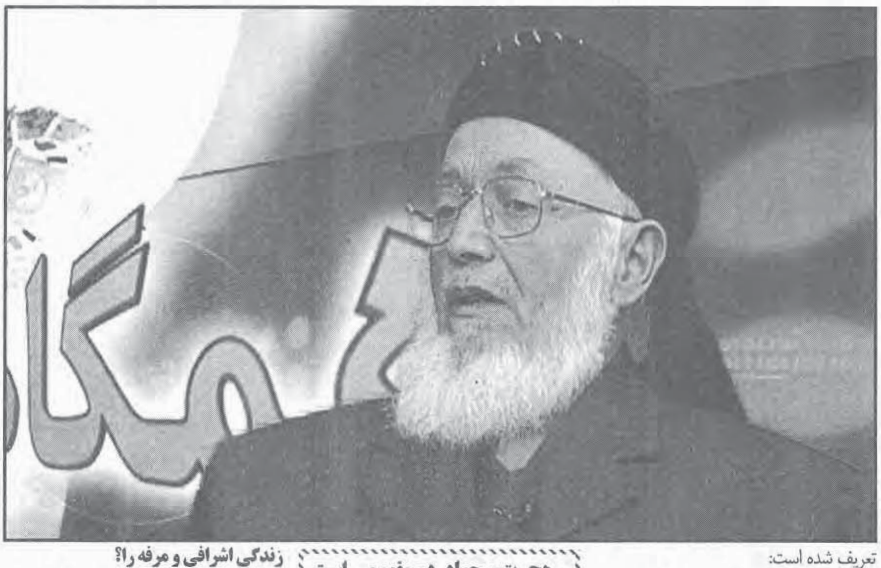
****

اسلام دین فطرت است و به گونهٔ طبیعی هر انسانی نیاز های طبیعی و فطری خود را در آن می یابد، دساتیر اسلام ساده، متین و بی پیرایه ارایه شده است که هر مسلمانی به آسانی در می یابد و معتقد می گردد.

۱- کلیات اقبال ،پاکستان ۱۹۱۹ (اکادمیاقبال)
۲- علل پیشرفت اسلام .....زین العابدین قربانی ،تهران ۱۳۶۸ ص۱۱
۳- دکتر گوستالوبون ،تمدن اسلام وعرب،ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی ،تهران ،انتشارات افراسیاب۱۳۷۸ ص ۳
۴- هاریوهازارد ،(نویسنده امریکای)به نقل از علل پیشرفت اسلام ص۱۸
۵- جواهر لعل نهرو ،نگاهی به تاریخ جهان ،تهران ،۱۳۶۷ ج۱،ص۴۱۷-۴۲۶
۶- تاریخ تمدن اسلام وعرب،ص۷۵۱
۷- دکتر ماکس میرهوف ،میراث اسلام ،تهران ،۱۳۶۴،ص۱۲۲ - ۱۲۴
۸- ویل دورانت ،تاریخ تمدن ،ج ۱۱،ص۳۰۷- ۲۲۲۹
۹- گوستالون ص۷۳۵ تهران انتشارات فرانکلین
۱۰- اسلام از نظر ولتر ،ص۱۵
۱۱- اسلام اند وجهان ،ص۱۳

خاطراتی از پروفیسور برهان الدین ربانی

رهبر نهضت اسلامی مجبور به هجرت می شود



معنا ومفهوم هجرت چیست؟

هجرت و جهاد دو مفهومی است که با هم پیوند نا گسستنی دارند. اما اگر نگاهی به تاریخ اسلام بیفگنیم، مشاهده می کنیم که هجرت سنت پیامبران است. حضرت ابو الأنبیا ابراهیم "ع" به منظور رهایی و نجات از حاکمیت استبدادی "نمرود" در عراق، به شام هجرت می کنند واز آن جا به جزیره العرب می رود و در مکه کعبه شریف را اعمار می کند.

حضرت موسی "ع" به فلسطین مهاجر می شود وحضرت لوط "ع" خواهر زاده ابراهیم علیه السلام هجرت می کند و می گوید: **(إنی مهاجر إلی ربی إنه هوالعزیز الحکیم)** "بدون شک من به طرف پروردگارم مهاجر می شوم و او بی شک غالب و با حکمت است.)

البته از همه مهمتر هجرت پیامبر اکرم است، که در پی شدت خشونت و فشار قریش علیه مسلمانان، به آن ها امر می کند مهاجرت نمایند و به حبشه بروند، چون در آن سرزمین یک پادشاه عادل حکمرانی دارد، خود پیامبر نیز اقدام می کند تا به طایف مهاجرت می نماید، اما متأسفانه مردم طایف در برابرشان عکس العمل نادرست وزشتی نشان می دهند، تا این که تصمیم می گیرند به یثرب که بعدا به مدینه تغییر نام یافت هجرت نمایند.

گذشته از انبیا، تاریخ، مهاجرت های فراوان توسط مردمان و اشخاص را به یاد دارد، هجرت ها گاهی باعث تحولات بزرگ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گردیده و بسیاری انقلاب ها از هجرت واوارگی ها آغاز گردیده است.

دیگول حکومت فرانسهٔ آزاد را در خارج فرانسه یعنی در انگلستان تشکیل داد. لینن انقلاب شوروی را در جرمنی پی ریزی نمود، همچنان هوشیمین، رهبران انقلاب الجزایر، رهبر انقلاب ایران و دیگران در بیرون از میهن خویش برای انقلاب نقشه راه ساختند، همچنان بسیاری از تمدن ها براساس مهاجرت ها به میان آمده است.

حکم هجرت درفرهنگ وجهان بینی اسلامی چیست؟

اهمیت هجرت دراسلام بر مبنای هدف ونیت تعیین می گردد. در کتاب بخاری به روایت حضرت عمر حدیثی از پیغمبر اسلام چنین نقل گردیده است:

(قال رسول الله صلی الله علیه وسلم إنما الأعمال بالنیات و إنما لکل امرئ ما نوی فمن کانت هجرته إلی الله و رسوله فهجرته إلی الله و رسوله، و من کانت هجرته إلی دنیا یصیبها أو إمراه ینکحها فهجرته إلی ماهاجر إلیه)

"پیامبر فرموده است، اعتبار اعمال برمبنای نیت هاست و هر شخصی مطابق نیتش اجرنصیب می گردد، اگر هجرت شخصی به خاطر خدا باشد، در نزد خدا و پیامبر مستحق اجر می گردد و اگر هجرت او به خاطر منافع دنیوی یا رسیدن به زنی باشد، همان چیزی را به دست می آورد که به خاطر آن هجرت کرده است."

امام شعراوی هجرت را چنین تعریف می کند: هجرت آن است که مسلمانان به منظور هدف دینی از سرزمینی که در آن زمام دار ظالم حکومت می کند خارج شود، و به سرزمینی که در آنجا زمام دار عادل فرمان روایی دارد منتقل گردد.

همچنان در کتاب : مجموعهٔ لغوی که درمصر چاپ شده هجرت چنین تعریف شده است:

هجرت عبارت است از انتقال ازیک منطقهٔ که درآن فتنه وآشوب بوده و دین داری معروض به خطرباشد به منطقه که در آنجا امنیت حکمفرما بوده و خطری متوجه دین نباشد.

پس هدف از هجرت دفاع از دین، دفاع از ارزش ها و دفاع ازآزادی است.

هجرت در مواردی برمسلمانان فرض می گردد که می توان این موارد را چنین برشمرد:

۱– هجرت به منظوردفاع ازدین.

۲– هجرت به منظورحفظ جان وحیات انسان

۳ – هجرت به منظور آموزش وفراگیری دانش، چنانچه از پیامبر نقل شده است که فرموده اند دانش اگر در چین هم باشد، آن را بیاموزید.بنا براین اگر دانشی که دراروپا وامریکا دانسته شود وبرای تأمین مصالح مسلمانان مورد نیاز باشد، رفتن به آنجا وآموختن آن علم بر مسلمانان فرض می گردد.

نوع دیگر هجرت، نادرست وممنوع است: این چنین هجرت هجرتی است که به سبب آن ضرر و فسادی متوجه مسلمانان وجامعهٔ اسلامی شود.

مانند کسی که جای می رود به منظور دست زدن به فساد و یا آمیزش با یک فرهنگ غیردینی ویا اشتراک در توطئه و عملی علیه اسلام و مسلمانان، این چنین هجرتی حرام ونا رواست .

هجرت مردم افغانستا ن در ذات خود از کدام نوع هجرت بود؟

هجرت مردم افغانستان به منظور دفاع از دین، استقلال وآزادی بود که انشاء الله مهاجرین اجر وپاداشی آن را از خداوند دریافت خواهند داشت.

آیادر دوران نو جوانی وجوانی در فکر رسیدن به ریاست جمهوری و فعالیت های سیاسی بودید؟

جوانی دوران آرزوها ورویا هاست، من در روزگار نوجوانی و جوانی، پیش ازاین که وارد مدرسهٔ امام ابوحنیفه شوم، در آرزوی پیوستن به اردو بودم و انتظار روزی را می کشیدم که، شامل امتحان شمولیت در مکتب حربی شوم. اما در آن زمان تعداد معدودی را در لیسهٔ حربی می پذیرفتند، در عین حال به مسایل وموضوعات سیاسی نیز علاقمندی

هجرت و جهاد دو مفهومی است که با هم پیوند نا گسستنی دارند. اما اگر نگاهی به تاریخ اسلام بیفگنیم، مشاهده می کنیم که هجرت سنت پیامبران است. حضرت ابو الأنبیا ابراهیم "ع" به منظور رهایی و نجات از حاکمیت استبدادی "نمرود" در عراق، به شام هجرت می کنند واز آن جا به جزیره العرب می رود و در مکه کعبه شریف را اعمار می کند.

***

جوانی دوران آرزوها ورویا هاست، من در روزگار نوجوانی و جوانی، پیش ازاین که وارد مدرسهٔ امام ابوحنیفه شوم، در آرزوی پیوستن به اردو بودم و انتظار روزی را می کشیدم که، شامل امتحان شمولیت در مکتب حربی شوم، اما در آن زمان تعداد معدودی را در لیسهٔ حربی می پذیرفتند.

داشتم . صنف ده یا دوازده بودم در لیلیه زندگی می کردم. تخت های دو طبقه یی داشتیم، من در طبقهٔ پایین می خوابیدم، شبی مطلبی نوشتم و دران ضرورت تحول و تغییر نظام افغانستان را از شاهی به جمهوری مطرح کردم.

یک صنفی به نام فضل الله فیاض داشتم که ازکامه بود. او پس از فراغت استاد شد، به پارلمان رفت، پس از آن به پاکستان هجرت کرد و در همانجا درگذشت. من آن نوشته را روی تخت گذاشتم رفتم، آن را فراموش کرده بودم، آقای فیاض پیشتر وارد اتاق شده ونوشته را خوانده بود. وقتی من وارد اتاق شدم، آمد وبا آهستگی درگوشم گفت. می خواهی برای خودت درد سر بخری و برای ما مشکل ایجاد کنی، این چه گپی است که تو نوشتی؟

به هرحال آرزویم بود که روزی ما نظام جمهوری مبتنی بر خواست وارادهٔ مردم داشته باشیم.

ساده زیستن را می پسندید یا زندگی اشرافی و مرفه را؟

من طبیعتاً علاقمند به سادگی می باشم بر همین اساس کوشش می کنم تشریفات و موتر و محافظ را به حداقل کاهش دهم و این که خود را در انحصار ببینم خوشم نمی آید. در روزگاری که در پیشاور بودم نخست در منطقه یی به نام فقیر آباد زندگی می کردم، فقیر آباد محلهٔ فقیرنشین پشاور بود، کوچه های تنگ، خانه های محقری داشت، در یکی از این خانه ها دفتر جمعیت اسلامی قرار داشت و خودم هم در همانجا به سر می بردم. ناگفته نماند که شماری از گروه ها و احزابی که بعد تر آمدند و یا تاسیس شدند، در خانه های مجلل و در مناطق اعیان نشین پشاورزندگی می کردند.

اعضای جمعیت از چنین وضعیتی راضی نبودند. آن ها اصرار می کردند. تا ازان خانه به جای دیگری منتقل شویم می گفتند برای جمعیت چنین خانهٔ کوچک و محقر مناسب نیست. اما من آن زندگی فقیرانه را می پسندیدم. اما تا که روزی بچه ها از جمله قاضی اسلام الدین به من خبر دادند که یک خانه را در منطقهٔ ارباب رود به کرایه گرفته اند. تامن آنجا منتقل شوم.

در سفرها با همسفران چه رویه دارید، می پسندید که آن ها به شما خدمت کنند یا چطور؟

گرچه همیشه علاقه دارم که به دیگران مصدر خدمتی شوم. اما عرف شده است کسانی که کوچک ترند قبول ندارند که من برای شان کار کنم. اما به قدر توان کوشش می کنم کارهای شخصی ام را خودم انجام بدهم.

هنگام هجرت به پاکستان کی ها همسفران شما بودند؟

طوری که گفتم به کمک بچه ها و یاری و لطف خداوند از چنگ پولیس و مزدوران کی جی بی نجات یافتم و بعدها مطلع شدم وزیر داخلهٔ وقت از این که من دستگیر نشدم بسیارعصبانی بود اما، این که به این علت چه کسی را مجازات کرد اطلاعی ندارم.

ما پس از این که درکوه تلویزیون فعلی بالا شدیم خواهش کردم تا لباس غیر رسمی برایم بیاورند. اسلام الدین با عجله رفت یک دست لباس سفید از لیلیه آورد.

بعداً با همان جوانانی که با من بودند مشوره کردیم که چه باید بکنیم.

آن جوانان کی ها بودند؟

قاضی اسلام الدین بود، قاضی حکیم، که زنده است و قاضی عبید الله و چند تا از جوانان دیگر بودند که متأسفانه حالا نام های شان در یادم نیست، خوب با این جوانان مشوره کردیم که چه باید بکنیم؟

برخی ها گفتند برویم به منا طق شمال، تا وضعیت آرام تر شود. من با این پیشنهاد مخالفت کردم، چون می دانستم پولیس ما را حتماً تعقیب می کند. یکی از آنان پیشنهاد کرد که به مناطق قبایلی برویم و از آنجا وارد پاکستان شویم.

من تا هنوزروی بیرون شدن از وطن فکری نکرده بودم، در آغاز با این پیشنهاد مخالفت کردم، شاید در آن زمان من تحت تأثیر عواطف قرار داشتم، اما جوانان این نظریه را پسندیدند، در ادامهٔ بحث ها روشن شد که ما چاره یی جز این نداریم. برنامهٔ سفر را آماده کردیم چندتا بچه ها یکه توت رفتند وچوکی های موتر را ریزرف کردند، بعد ما در آن موتر بالا شدیم و در جای آنها نشستیم و رفتیم به جلال آباد. ماه جوزا بود در مسیر راه، به بلندی ها و قله ها با حسرت نگاه می کردیم، به سرنوشت وطن می اندیشدیم و در مورد مشکلات و چالش ها راه و چاره می سنجیدیم.

هوا درجلال آباد گرم بود، بچه های همسفر من پیشنهاد کردند.کالای سفید را تغییر بدهم تا شناخته نشوم، یک دست لباس دارای رنگ تیره اوردند پوشیدم و بعد از آمادگی ها حرکت کردیم به سوی کنر.

درکنر یک هفته ماندیم. در خانه ها و قریه های مختلف، رفت و آمد می کردیم. مرتبا محل اقامت خود را تغییر می دادیم، هیچ بر نامهٔ خاصی نداشتیم، چون همه این حوادث برای ما غیر مترقبه بود. لازم به یاد آوری است که در کنر، اطلاع یافتیم که شماری از محصلان پوهنتون و شاگردان عضو نهضت اسلامی از کابل خارج شدند برخی آن ها نزد ما رسیدند، آن ها گفتند از طرف شورای اجرائیه جمعیت دستور دریافت کرده اند تا پوهنتون را ترک کنند و جهت سازماندهی مقاومت و شورش به ولایات بروند. طبق اطلاعی که دریافت نمودیم چنین فراخوان و برنامه یی از سوی حکمتیار سازماندهی شده بود. من از آن جوانان خواهش کردم که برگردند و به درس و تعلیم خویش ادامه دهند. من به آنها توضیح دادم که با این اقدامات دستگاه های امنیتی در موردشما تمام اطلاعات را به دست خواهنداورد و علاوه بر این، با برآمدن شما از مراکز تعلیمی، عرصه برای گروه های کمونیست خالی می شود.

پس از یک هفته اقامت در کنر، ما نشستیم و روی برنامه یی که باید روی دست بگیریم مشوره نمودیم، در نتیجه، تصمیم گرفتیم داخل قلمرو پاکستان شویم، یکی از همراهان ما مولوی غلام رسول باشندهٔ ولایت کنر بود، آدم با هوشی بود، در آن منطقه و همچنان در مناطق مختلف پاکستان آشنایی کامل داشت وما را در این مهاجرت رهنمایی می کرد. از دریای کنر عبورکردیم، آن طرف دریا آب و نانی خوردیم و سوی خاک پاکستان راه افتیدم. ما دیگر متأسفانه از وطن خارج شده بودیم.

ادامه دارد

په نړیواله کچه د ماشومانو د ژوند ...

له دې امله دوی باید د ټولو هغو ستونزو او مشکلاتو څخه په امان وي، چې د لویانو له خوا پر دوی ورتپل کیږي، دوی باید له ژوند خوند واخلي، ښوونځیو ته ولاړ شي، زده کړې وکړي، جګړه، خواري او غریبي باید د دوی روغتیا، روح او روان ته زیان ونه رسوي او جګړې ته را ونه کاږل شي.

په خواشینۍ سره باید یادونه وکړو، دا نړۍ چې موږ په کې ژوند کوو، د ځانګړو ګټو او د میلیونونو انسانانو د زېښناک پر بنیاد او بنسټ ودانه ده. له دې امله حتمي ده، چې د نړۍ په بیلابیلو هېوادونو او سیمو کې د دغسې سیاسي، اقتصادي او فرهنګي نظامونو اغیزې تر سترګو کیږي. بې له شکه له دې اغیزو د نړۍ د اوسیدونکو تر ټولو زیات ماشومان اغیزمن کیږي او د نړۍ په بیلابیلو هېوادو کې په بیلابیلو بڼو او کچو د ماشومانو زېښناک او استثمار روان دی. ماشومان ځورول کیږي او تر تهدید لاندې دي. ډیری ماشومان د دې پرځای چې ښوونځی ته ولاړ شي او زده کړې وکړي، په لارو او کوڅو کې د یوې مړۍ ډوډۍ د لاسته راوړلو په موخه سرګردانه او لالهانده دي. د نړۍ په ډیرو هېوادو کې زیات شمیر ماشومان په جګړه ییزو دندو ګمارل کیږي. اوس مهال چې نړۍ کې د انسان استثمار نوي بڼه او کچه نیولیده. د ټولنیز ژوند په ټولو برخو کې د لویانو په شان استثماریږي، هغوی له روحي او جسمي پلوه ځورول کیږي، لنډه دا چې د لوی خدای "ج" په دې لویه نړۍ کې هغسې ځای او چاپیریال نشته، چې هلته دې ماشومان هغسې حقوق ولري، لکه څنګه یې، چې باید ولري.

دې کې شک نشته، چې ماشومان د نړۍ په هره برخه کې ځوریږي او پر هغسې کارو ګمارل کیږي چې د دوی له توان او قدرت څخه پوره نه دي. هیڅوک په دې اند ېښنه کې نه دي، چې د ماشومانو په نازکو او وړو لاسونو کې دغسې قوت نشته. لکه چې ورته اشاره وشوه، په ټوله نړۍ کې دغسې ځای او سیمه نشته، چې ماشومان په آرام او خوشحاله چاپیریال کې ژوند وکړي.

دې کې شک نشته چې په نړیواله کچه ډیرې اداري شته، چې د نړۍ د ماشومانو سره د مرستې دنده پر غاړه لري، خو په ډیرې خواشینۍ سره باید یادونه وکړو، چې د ماشومانو سره د مرستې نړیوالې اداري په نړیواله کچه په نړۍ کې د میلیونونو ماشومانو له مړینې بې خبره او یا هم ورسره ځانګړې مینه نه لري. د بیلګې په ډول د یونیسیف سیمه ییز مدیر پیرانګباک خبر ورکوي، چې په ختیځه او سهیلي افریقا کې له اتو (۸) میلیونه ماشومانو ناوړه ګټه اخیستل کیږي. نوموړي د خبر له مخې ۳۰۰ میلیونو ماشومان د جنسي تیري قرباني دي، د همدغه رپوټ له مخې په نړۍ کې د ورځې (۱۸) زره ماشومان له لوږې خپل ژوند له لاسه ورکوي، ۴۰۰ میلیونه نور یې له لوږې ځوریږي. د ملګرو ملتونو د نړیوالې ادارې د خوراکي توکو د رئیس په وینا: "که چیرې په یوه کال کې ۳۴ ډالره پر یوه ماشوم ولګول شي، د میلیونو ماشومانو له مړینې په مخنیوی وشي. په نړۍ د کارګرو ماشومانو شمیر هم له ۳۰۰ میلیونو زیاتیږي. په نړۍ کې ۴۳ میلیونه کډوال ماشومان د بېلابېلو لاملونو له امله له زده کړې څخه بې برخې دي. په میلیونونو نور ماشومان بیا د واکسینو او ضروري دواګانو د نه موجودیت له امله مري. بې له شکه پورتنۍ ټکې دا جوتوي، چې د نړۍ په کچه ماشومان له ډیرې بدې ورځې سره لاس او ګریوان دي.

د ماشومانو په اړوند دا ټولې هغه نړیوالې ناخوالې دي، چې د نړۍ په کچه یې د ماشومانو ژوند له ستونزو او ګواښ سره مخامخ کوي. د نړۍ د نورو ماشومانو په څیر زموږ په هېواد کې هم ډیر ماشومان له لوږې او خوار ځواکۍ سره لاس او ګریوان دي، د دې پر ځای چې ښوونځي ته ولاړ شي، په لارو او کوڅو سوال او ګدایي کوي، خو کوم کورنۍ یا بهرنۍ سازمان یا اداره نشته، چې له دوی سره مرسته وکړي او له دې بدې ورځې یې وژغوري.



به بهانهٔ روز جهانی منع استفاده از تنباکو

اعتیاد درمیان زنان افزایش یافته است

محمود الله فیروز

تصور اکثر افراد جامعه در مورد اعتیاد این است که این یک پدیده یی مردانه است. بسیاری ها بر این باورند که زن ها کمتر از مردها به اعتیاد روی می آورند، به خصوص در کشورما که حتی سیگار کشیدن زنان و دختران، تعجب دیگران را بر می انگیزد. اما برعکس، در این اواخر اعتیاد درمیان زنان نیز افزایش یافته است.

هر چند آمار دقیقی زنان معتاد در کشور وجود ندارد، اما براساس برخی آمار، درمیان یک میلیون معتاد در کشورما ۱۲ درصد آن را زنان تشکیل می دهند. این مطلب در یک گزارش منتشرهٔ آژانس خبری روز به تاریخ ۲۵ ثور آمده است.

در این گزارش همچنان آمده است: بر اساس سروی ریاست صحت وزارت امور زنان، در پنج ولایت کشور مانند لوگر، میدان وردک، سمنگان، لغمان و بغلان، حدود هشت هزار معتاد مرد، زن و اطفال موجود بوده که ٪۳ این معتادین را، زنان تشکیل می هند و این فیصدی، برای وزارت امور زنان نگران کننده است.

بدون شک، اعتیاد به مواد مخدر یک بیماری اجتماعی است که در پهلوی عوارض جسمی و روانی متعدد، ناهنجاری های فرهنگی و اخلاقی را نیز به دنبال دارد. عواملی از قبیل نبود امکانات تربیتی، فقدان امید به آینده، گسیختگی خانواده ها، فقدان و یا کمبود امنیت اجتماعی و نبود امکانات مناسب برای گذراندن اوقات فراغت، وابستگی اقتصادی جوانان به خانواده ها و در عین استقلال طلبی آن ها و... از مهمترین عوامل شیوع اعتیاد درمیان جوانان و مردان به شمار می رود، اما از آنجایی که زنان جزء نخستین قربانیان بسیاری از آسیب ها اجتماعی هستند، از ناحیه اعتیاد به مواد مخدربیشتر آسیب می بینند.

نباید فراموش کرد که علل و عوامل اعتیاد جوانان به مواد مخدر، نسبت به علل و عوامل اعتیاد زنان در کشورما متفاوت است.

در گزارش منتشرهٔ آژانس خبری روز از قول مرغلری خارا رئیس صحت وزارت امور زنان آمده است: علل روی آوردن زنان به مواد مخدر خشونت های فامیلی، عدم آگاهی از عواقب بعدی مواد مخدر، کار در مزارع کشت کوکنار می باشد.

به این مطلب در یک گزارش منتشرهٔ دیگر از سوی آژانس خبری فوق الذکر نیز اشاره شده و آمده است که اکثر زنانی که ذر قرا و قصبات و دور از مراکز خدمات صحی زندگی می کنند، نسبت عدم آگاهی از اضرار مواد مخدر، برای تسکین درد شان، از این مواد استفاده می کنند.

این گزارش می افزاید که همچنان شماری از زنان به دلیل فقر، آوارگی ، نا راحتی های روانی و... نیز به استعمال مواد مخدر واورده اند.

بنا بر این گزارش، یک خانم افغان به نام گل پری که ۴۵ سال عمر دارد و خود را باشندهٔ اصلی ولسوالی کشم ولایت بدخشان معرفی می کند علت اعتیاد خویش به تریاک را چنین توضیح داده است: "وقتی که جانم درد می کرد، تریاک می خوردم و با خوردن آن، دردم کاهش می یافت. خانم پری گل همچنان گفته است: اکنون معتاد به تریاک شدم و روزی که تریاک نخورم، تمام وجودم درد می کند."او گفته است: "در قریه یی که زندگی می کنم، در آنجا هیچ کلینیکی برای تداوی وجود نداشت، وقتی که جانم درد می کرد از تریاک استفاده می کردم." گفتنی است که زندگی ویا رابطه با یک فرد معتاد ـ چه زن باشد و یا مرد ـ نیز از مهمترین علل گرایش زنان به مواد مخدر است. چنانچه در گزارش منتشرهٔ آژانس خبری روز آمده، خانمی که خود را باشندهٔ اصلی ولایت هرات معرفی می کند و جهت تداوی در شفاخانهٔ معتادین سانگه آماج بستر می باشد، گفته است که از سوی خواهرخوانده اش که معتاد به مواد مخدر بود، به مواد مخدر از نوع هیرویین معتاد شده است.

باید گفت که کم ترین عارضهٔ اجتماعی اعتیاد در زنان متلاشی شدن خانواده است. بر اساس آمار جهانی، اعتیاد در زنان، عوارض خطرناک تری نسبت به مردان ایجاد می کند. برای مثال فاصلهٔ زمانی اولین تجربهٔ مصرف مواد مخدر، تا تزریق در زنان به طور متوسط ۲ سال طول می کشد در حالی که این زمان در مردان حدود ۸ سال است. با این حساب زنان ۶ سال زودتر از مردان به ورطهٔ وابستگی شدید، که درمان آن طبعاً سخت تر و عوارض جسمی، روانی، اجتماعی آن نیز به مراتب بیشتر است کشیده می شوند.

مرگ در اثر مصرف مواد مخدر نیز در زنان و دختران سریع تر رخ می دهد. به خصوص مصرف بیش از حد، خودکشی و تصادفات ناشی از آثار مصرف برخی مواد علت اصلی مرگ و میر در زنان معتاد است.

همچنین به دلیل این که اعتیاد در زنان زمینه ساز سایر انحرافات است، استفادهٔ تزریقی از مواد مخدر و وجود سرنگ های مشترک، خطر ابتلای آن ها به مرض ایدز،امراض خون و بیماری های مقاربتی را افزایش می دهد.

در واقع نگرش های اجتماعی منفی موجود دربارهٔ رفتار غیر اخلاقی زنان معتاد، مانعی بزرگ در راه درمان زنان معتاد می باشد. اینجاست که زنان معتاد یا از درمان خود اجتناب می نمایند و یا از معرفی خود به عنوان معتاد و

هرچند به گفتهٔ مسؤولان وزارت امور زنان، این وزارت به منظور کاهش معتادین و تنویر اذهان عامه، ورکشاپ ها و کمپاین هایی را در ولسوالی های ولایات لوگر، میدان وردک، سمنگان، لغمان و بغلان روی دست گرفته که با توجه به اهمیت موضوع این برنامه ها ناکافی است.

باید تذکر داد که در پهلوی مشکلات امنیتی و عدم امکانات جهت اقدام به درمان اعتیاد زنان، یک سری موانع نیز در مقابل زنان وجود دارد که بایستی به آنها توجه نمود. مهم ترین این موانع، باورها و نگرش های موجود در جامعه در مورد زنان معتاد می باشد. اگر چه افراد جامعه می توانند اعتیاد را در مردان یک نوع بیماری فرض کنند، اما در مورد زنان معتاد متفاوت است. متأسفانه اغلب افراد اعتیاد را در زنان یک موضوع غیر اخلاقی می دانند تا یک بیماری. در واقع نگرش های اجتماعی منفی موجود دربارهٔ رفتار غیر اخلاقی زنان معتاد، مانعی بزرگ در راه درمان زنان معتاد می باشد. اینجاست که زنان معتاد یا از درمان خود اجتناب می نمایند و یا از معرفی خود به عنوان معتاد و سرباز می زنند.

این عامل باعث می گردد که هیچگاه آثار واقعی زنان معتاد کشف نگردد.

به هر حال، نادیده گرفتن و یا توجه اندک به بحث اعتیاد زنان در آینده عواقب ناگواری را بر جامعه تحمیل می کند. بنا برگفتهٔ مشهور "ماهی را هر وقت از آب بگیری، تازه است" باید هم اکنون برای رفع این معضل اجتماعی، دست به کار شد.

بلی! مجاهدین باید دیگر دنباله رو دیگران نباشند

فدا محمد فایض

سال ها دل طلب جام جم از ما می کرد
آنچه خود داشت زبیگانه تمنا می کرد

اگر سخنرانی استاد ربانی رهبر جمعیت اسلامی و رئیس جمهور پیشین که به تاریخ دوم جوزای سال جاری در کنفرانس اعلام مواضع جمعیت اسلامی در شرایط کنونی ایراد نمودند و متن کامل آن در شمارهٔ چهارم جوزای هفته نامهٔ مجاهد ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان به نشر رسیده است به دقت مطالعه گردد، حقایق عده یی به چشم می خورد.

یکی از سخنان پر ارج استاد این است که: "من با صراحت اعلان می کنم که از این به بعد مجاهدین دنباله رو نخواهد بود". این یک مژدهٔ خوبی است نا گفته نماند دنباله روی که وجود داشت بر اثر مداخلات ناجوانمردانهٔ بیرونی بر مجاهدین تحمیل گردید. چنانچه استاد نیز به آن اشارتی نموده است.

دیده می شود آن های که لاف از تخصص می زنند، جوانان تحصیل ناکردهٔ هستند که جز جملاتی از زبان انگلیسی ویکی دوبرنامه کمپیوتر دیگر چیزی یاد ندارند، مخصوصا آنچه باید داشته باشند، یعنی آشنایی با جامعه افغانستان، نیازمندی ومشکلات مردم وارزش های دینی وفرهنگی جامعه کاملا بی خبر اند، آن ها ازتخصص به عنوان یک حربه برای حذف رقبای سیاسی خویش استفاده می کنند.

این ها کسانی هستند که ادعا می شود متخصیص می باشند این متخصصین سال ها دور از جامعهٔ خود زندگی کرده اند، از جامعه بیگانه شده اند از همین جهت است دیدیم که نسخه یی را که آنها با خورد آورد بودند به درد مریضی ما نخورد؛ زیرا اولاً باید مریض ما تشخیص می شد بعداً نسخه تجویز می گردید. هکذا فرهنگی را که آنها با خود آوردند و سعی می کنند آن را بالای جامعهٔ ما تطبیق کند جای پذیرش در جامعهٔ مارا ندارد. شاید آنها از روی چند هوتل کابل در مورد همهٔ جامعهٔ ما قضاوت می کنند. به حرف حافظ:

خوش بود گر محک تجربه آید به میان
تا سیه رو شود هر که در اوغش باشد

این آقایان از غرب آمده هم تجربه شدند، آنها آمدند که خود را بسازند نه جامعه را؛ زیرا آنها مسلماً پول هنگفت جمع آوری کردند ولی نتوانستند جامعه را بسازند؛ زیرا لباسی را که آنها با خود آورده بودند با قد جامعهٔ ما برابر نبود، از همین جهت است که مردم ما از این گروه نیز شدیدا ناراضی شده اند.

بدون شک اعتراف بر اشتباهات خودش یک مردانگی است، بزرگواری است و اخلاق است ولی مجاهدین ما نیز با گذاشتن کلوخ در آب از سر این مسأله نگذرند، باید از اشتباهات پند گرفت و نگذاشت اشتباهات تکرار شود. زیرا تکرار اعترافات هم پذیرفتنی نیست، باید مجاهدین اختلاف سلیقوی خود را کنار بگذارند. سلیقوی به خاطر می گویم که استراتیژی مجاهدین استراتیژی واحد است: تأمین صلح و ثبات در کشور، تأمین وحدت ملی، سازمان همهٔ جانبهٔ کشور بناءً اگر اختلاف وجود داشت و یا هم اکنون وجود داشته باشد، بدون شک سلیقوی است.

این که استاد در سخنرانی خود مژده داد که برای انتخابات آینده کاندیدی را که وفاق ملی را تأمین کند، مطرح می کنیم، نیز یک مژدهٔ خوب است ولی آنچنان که دیگران از همین حال کمپاین خود را آغاز کرده اند باید مجاهدین نیز از همین حالا دست به کار شوند و نباید فرصت را ضایع کنند و به تعبیر حضرت اقبال:

تیز ترک گام زن، منزل ما دور نیست

قابل تذکر می دانم که در گزینش چنین فردی باید خیلی تعمق شود و سعی شود همهٔ مجاهدین تحت یک پلیت فورم گرد آیند. باید بتهای قومیت و سمت و زبان و امثال آن از بین برده شود؛ زیرا به قول اقبال:

تمیز رنگ و بو بر ما حرام است
که ما پروردهٔ یک نو بهاریم



به بهانهٔ روزجهانی کودک

آینده سازان افغانستان به توجه جدی نیاز دارند!

محمدشریف شایق

اول جون مطابق ۱۲ سرطان مصادف بود با روز بین المللی کودک درجهان، از این روزدرافغانستان درحالی گرامیداشت به عمل آمد که کودکان افغانستان که آینده سازان ، دروضعیتی بدی به سر می برند.

هرچند که امروز در کشور دشواری ها ومشکلات روزافزون برسرهمه شهروندان سایه افگنده است.اما کودکان به عنوان آسیب پذیرترین گروه اجتماعی، بیشتر درمعرض خطرقراردارند، وضعیت بد اقتصادی، عدم دست رسی به تعلیم وتربیهٔ سالم، بی توجهی دولت به کودکان، از دشواری های کلی آنها است که ده ها مشکل دیگررا در پی می آورد.

فقراقتصادی: با وجود مساعدت های فراون جامعهٔ بین المللی، فقر در جامعهٔ ما رشد روز افزونی داشته وافغانستان در جمع محدود کشورهای فقیر دنیا قرار دارد، آنگونه که در زمستان سال گذشته دیده شد، خانواده های فقیرکه تعدادشان کم نیست کودکان خویش به فروش رساندند. متأسفانه وضعیت سال گذشته امسال هم تکرار خواهد شد، شماری دیگر کودکان که باید درس بخوانند ومکتب بروند به نان آوران خانواده ها تبدیل شده اند وخانواده ها برای بدست آوردن یک لقمه نان کودکان را به کار وا می دارند و از آن ها استفاده های غیرقانونی می نمایند. درپیاده رو های شهرکابل، درپهلوی ارگ ریاست جمهوری، لشکری از کودکان برهنه وگرسنه به گدایی مشغول اند و از صبح تا شام به دامن عابرین آویزان هستندکه ازسوی برخی افراد با بدترین وتوهین آمیزترین شیوه پاسخ دریافت می کنند.

مادرانی دیده می شوند که کودکان خوردسال خویش را به عنوان ابزار گدایی مورد استفاده قرار میدهند. وآنان را با استعمال داروهای خواب آور، از صبح تا شام در معرض دید عابران می گذارند تابا استفاده از وضعیت بد این کودکان توجه عابران را جلب کنند. همین گونه صد ها کودک دیگر نیز به کارهای فزیکی طاقت فرسای دیگر مشغول هستند و به عنوان نان آورخانواده آماده اند تا به هرکاری که ازآن پول بدست بیاید، تن دهند.

به سبب فقرخانواده ها ازکودکان به اهداف گوناگون استفاده می کنند، برده داری، استفاده در قاچاق مواد مخدر. استفاده درحملات انتحاری به وسیلهٔ مخالفان مسلح دولت افغانستان و سوء استفاده های جنسی ازمواردی نگران کننده است. نبود امنیت زمینه چنین فعالیت های غیرانسانی در مورد کودکان را مهیاکرده است. عدم تطبیق قانون، حاکمیت ضعیف دولت درمحلات، وجود سلاح دراختیارافراد غیرمسؤول کودکان را از هرنوع مصؤنیتی محروم ساخته است.

عدم دست رسی به تعلیم وتربیه: درحال حاضر درافغانستان هزاران کودک از دست رسی به تعلیم وتربیهٔ سالم محروم هستند، براساس آمار ارایه شده از سوی مدیر برنامه بهبود کیفیت آموزش بانک جهانی، از مجموع ۱۱میلیون بی‌سواد افغان ، تقریبا نیمی از آنان را کودکان بالاتر از سن هفت سال تشکیل می‌دهد و تمام کسانی که از تعلیم و آموزش محروم مانده‌اند کودکان هستند و این امر مشکلات زیادی را در کیفیت و بهبود آموزش به وجود آورده است. مکاتب در بسیاری از مناطق آشوب زدهٔ جنوب بسته شده و درمناطق نسبتاً آرام هم نبود امکانات درست، حقوق کم آموزگاران، گسترش فقر روزافزون، عواملی دیگری است که هزاران کودک افغان را از آموزش وپرورش دور نگهداشته است.

دربسیاری از مناطق افغانستان مکتب به صورت درست وجود ندارد، واگر در جای هم وجود دارد، دشواری های ناشی از کم سواد بودن معلمان، فاصله طولانی میان قریه ها ومکاتب، عدم دست رسی کودکان به مواد درسی از قبیل کتاب، میز وچوکی ساختمان درست وغیره از دشواری های جدی دیگری است که کودکان افغانستان با آن روبه رو هستند.

همچنان عدم دست رسی والدین به مراکز درمانی مجهز دربسیاری از محلات دورافتاده افغانستان باعث آن شده است که سالانه ده ها کودک به کام مرگ سپرده شوند، سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده است که بیست وپنج درصد کودکان افغان پیش از سن پنج سالگی جان خود را ازدست می دهند. در گزارش سازمان بهداشت جهانی در باره وضعیت بهداشتی و درمان کودکان افغانستان گفته شده است حدود نیمی از کودکان افغان از تغذیهٔ مناسب محرومند و ده درصد آنان دچار سوء تغذیه حاد می باشند.

براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی شصت درصد مرگ و میر و معلولیت کودکان افغان از بیماریهای تنفسی، اسهال و بیماری های عمدتاً قابل پیشگیری ناشی می شود . که متاسفانه کار دولت افغانستان ونهاد های کمک کننده دراین مورد موثر نبوده است.

درمیان ده ها مشکل دیگرکودکان، بی سرپرستی کودکان از دشواری های بسیار جدی است. دولت در مورد این کودکان توجهی ندارد، این گونه کودکان بی سرپرست شکاری خوبی هستندبرای قاچاقچیان انسان وازسوی دیگر یتمانی که از تربیهٔ سالم دور مانده اند. به جنایت کاران فردا مبدل می شوند. زیرا این نوع کودکان معمولا بی عاطفه، عقده مند، تندخو، سرکش، منفی گرا، وهنجارشکن به بار می آیند. سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد بیست وپنج درصد کودکان افغان پیش از سن پنج سالگی جان خود را ازدست می دهند.

تأثیرات ناگوار خشک سالی ...

در سایر ولایات نیز وضعیت کودکان مشابه ولایت سمنگان است. خصوصاً در مناطق دور دست کودکان از مراقبت های لازم صحی محروم اند. بسیاری اطفال قبل از تولد و یا درسن کودکی از بین می روند.

تعلیم و تربیت فراهم نیست، کودکانی هستند که روز تا شام به خاطر به دست آوردن لقمه نانی برای فامیلش پلاستیک فروشی می کنند، در میان انبوه کثافات، آهن پاره وبقایای مواد غذایی را جستجو می کند، ویا آلهٔ دست گدایان حرفوی قرار گرفته و روز تا شام در گرما و سرما، برهنه در روی خاک انداخته می شود. به علت فقدان امنیت در کشور، اطفال اختطاف می شوند و استفاده های نا جایزی از آن ها صورت می گیرد، خانم مجرمی که زندانی می شود و طفلش نیز با او در فضا و محیط غیر تحمل آنجا با مادر یکجا بسر می برد، ده ها مشکل دیگری است که فرا راه کودکان قرار دارد.

جای دارديـاد آوری شود، آن های که دم از حقوق بشر می زنند، همیشه شعار می دهند آیا گاهی فکر کرده اند که این کودکان هم بشر هستند،آن هاکه از اثر فقر و تنگدستی و نبود مواد غذایی و محرومیت های دیگر در نقاط دور افتاده وطن گیاه می خورند و از گرسنگی می میرند و کانون گرم و محبت خانوادگی شان متلاشی می شود. این مدعیان دروغین حقوق بشربرای نجات این انسان های مظلوم چه کاری انجام داده اند.

مسوولیت دولت در قبال این چنین حوادث دلخراش و تکاندهنده چیست؟ آیا دولت باید دست روی دست بگذارد و مرگ کودکان و دیگر گروه های جامعه را تماشا کنند.

دربرابر این حوادث دل خراش آه و افسوس کردن، و یا روزی را به نام آن هاگذاشتن، دردی را مداوا نمی کند، بلکه عملاً باید به کمک آن ها شتافت. البته در پهلوی دولت و موسسات خیریه، تاجران ملی، مردمان ثروتمند، نیز وظیفه دارند تا به این بیچارگان کمک کنند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال
جهادکرزند محققاً آنان رابه راه خویش

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ دوم شنبه ۱۸ جوزا ۱۳۸۷- ۲ جمادی الثانی ۱٤۲۹ – 07, Jun 2008

همایش جهان گفتگوی با فرهنگ های دیگر در مکه برگزار شد



گفتگومیان مذاهب اهل سنت و تشیع به عنوان موضوع اصلی همایش جهانی گفتگوی اسلام و فرهنگ های دیگر در شهر مکه مورد بحث قرار گرفت، این همایش که به ابتکار سازمان رابطه عالم اسلامی به تاریخ ۱۶ جوزا در شهر مقدس مکه برگزار گردید، در آن بیش از ۵۰۰ تن از رهبران دینی اهل سنت و تشیع اشتراک نمودند، هاشمی رفسنجانی رئیس تشخیص مصحلت نظام جمهوری اسلامی ایران و دکتور علی جمعه محمد فقی اعظم مصر مهم ترین اشتراک کنندگان این همایش بودند.

همایش مذکور دراعلامیه که خبرگزاری عربستان سعودی آن را به نشر رسانده است تصریح نموه است که گفتگوی تمدن ها بر اساس احترام و برابری میان فرهنگ های مختلف، برای جهانی که در آن همکاری، اعتماد و همدیگر پذیری میان ملت ها وجود داشته باشد امر ضروری خواهد بود، در این اعلامیه بر میانه روی و اعتدال گرایی تأکید زیاد صورت گرفته است.

شاه عبدالله پادشاه عربستان سعودی در بیانیه یی که در این همایش ایراد نمود گفتگوی خرد گرایانه و تقویت مشترکات با دیگرتمندن ها وفرهنگ ها را با اهمیت خوانده کوتاه نگری و تعصب را مهم ترین چالش نشر و پخش اسلام راستین خواند.

هاشمی رفسنجانی براهمیت روابط ایران و عربستان سعودی تأکید نموده و در سخنان خویش که در جمع زایران ایرانی کعبه شریف ایراد نمودو اظهار داشت باید در جهت تحکیم روابط دو کشور سعی و تلاش کافی صورت بگیرد.

دولت افغانستان نمی تواند به صورت موتر کمک ها را به مصرف برساند

به گزارش خبرگزاری آوا، به تاریخ ۱۶ جوزا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در گزارش مشترکی اعلام کردند: یکی از عوامل اساسی عدم رفع چالش های مهم توسعه در افغانستان، ضعیف بودن توانمندی دولت در مصرف مؤثر کمک‌های دریافت شده است.

بر اساس این گزارش دفتر بانک جهانی در کابل در این رابطه به نقل از الستیر مکیکنی رئیس بانک جهانی در امور کشورهای آسیب پذیر و متأثر شده از جنگ اعلام کرد: افغانستان نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتری دارد.

وی با اشاره به تهیهٔ طرح استراتیژی توسعهٔ ملی افغانستان افزود: اجرای این طرح در تعدادی از مناطق به رفع چالش های مهم کمک می‌کند.

وی یادآور شد: باید مؤسسه های جهانی فراتر از مجموع کمک بر چگونگی مصرف و افزایش توانمندی دولت برای مصرف مؤثر آنها نیز نظارت کند.

وی با اشاره به هفتمین سال بازسازی افغانستان تأکید کرد، باید راهکار تأمین کمک ها مورد تجدید نظر قرار گیرد، تا دولت کابل تشویق به ارایهٔ خدمات مطلوب به مردم شود. در اعلامیهٔ دفتر بانک جهانی در کابل به نقل از ویلیام بیرد مشاور اقتصادی بانک جهانی آمده است که عدم هماَهنگی میان نهادهای کمک کننده به افغانستان چالشی را ایجاد کرده است.

بیرد افزود: درصد در آمد تولیدات ناخالص داخلی در افغانستان از رقم هفت و نیم درصد در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ میلادی به هفت درصد در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی کاهش یافته است. در اعلامیه گفته شد که افزایش چشمگیر مصارف و کاهش عواید به این مفهوم است که دورنمای ثبات مالی نسبت به سال قبل در وضعیت بهتری قرار ندارد.

بر پایهٔ اعلامیه مزبور در افغانستان در مبارزه با فساد اداری پیشرفت کمی صورت گرفت، برای اصلاح ادارهٔ عمومی هم پیشرفت متوسط بود، در حالی که ادارهٔ امور مالی شاهد بهبود امور و پیشرفت بوده است.

اقتصاد کم کربن شعار روز جهانی محیط زیست ...

حفاظت از جنگل ودرخت وبه طور کلی مصرف کالاهای تولید شده با روش های دوست دارطبیعت در برمی گیرد.

مراسم اصلی روز جهانی محیط زیست امسال ۵ جون/ ۶ جوزا با هدف جلب توجه عموم مردم جهان به مهم ترین معضلات وخطرهای زیست محیطی درشهرولینگتون نیوزیلند وبه میزبانی سازمان ملل متحد برگزار شد.

روز جهانی محیط زیست در سطح بین المللی درحال برگزار می شود که وضعیت محیط زیست در کشورما مخصوصا در پایتخت حالت نگران کننده یی را به خود گرفته است داره ملی محیط زیست افغانستان می گوید آلودگی هوا زنگ خطر را به صدا درآورده و موجب نگرانی های زیادی شده است.بر اساس تحقیقی که این اداره انجام داده در حال حاضر ذرات کوچک سمی در این کشور هفت برابر بیشتر از کشورهای دیگر جهان است.

مصطفی ظاهر رئیس سازمان محیط زیست افغانستان در مورد وضعیت نگران کنندهٔ محیط زیست درکابل پایتخت گفته است این شهر به شدت رو به آلودگی می رود وافزوده است. در حال حاضرجمعیت شهر کابل نزدیک به پنج میلیون نفر می رسد و شمار وسایط نقلیه دراین شهر بالغ بر ۸۰۰ هزار می شود که دود ناشی از این وسایط عامل اصلی آلودگی هوای شهر کابل به حساب می آید وی می گوید: "ما فعلا ۹ استیشن هواشناسی در مناطق مختلف شهر کابل داریم که متواتر کیفیت هوا را اندازه گیری می کنند فیلترهای اخیر ما که به ایالات متحده امریکا روان شدند، نشان داد که ۷۰ فیصد آلودگی هوای شهرکابل ناشی از مواد ناسوخته خارج شده از موترها می باشد."

انباشت زباله در شهرها به همراه نبود سیستم کانالیزاسیون و قطع بی رویه جنگل ها و مسکونی کردن مناطق سبز در روستاها به عنوان عوامل اصلی آلودگی محیط زیست، هم اکنون باعث بروز نگرانی های زیادی شده است.

هرچند تلاش هایی.در سالهای اخیر برای جمع آوری به موقع زباله های شهری در جریان بوده اما معمولا نبود امکانات کافی پاسخی است که مسئولان در برابر انتقاد از عملکردهای خود در این زمینه بر زبان می آورند.

گفته می شود بیش از نیمی از جمعیت کشور در کنار دسترسی نداشتن به هوای کاملا پاک برای تنفس، به آب آشامیدنی پاک نیز دسترسی ندارند.

فرمانده جدید نیروهای آیساف ...

فرماندهٔ جدید آیساف نیز دراین مراسم صحبت نمودوبر مبارزهٔ نیروهای آیساف با تروریزم تأکید کرده افزود که خشونت ها در افغانستان قابل تحمل نیست و نیروهای تحت امر وی با این پدیده با جدیت برخورد خواهندکرد.

درهمین حال آقای دیوید مکرنن درنخستین کنفرانس خبری اش درکابل به خبرنگاران گفت ، قصد دارد به پاکستان سفر کند ودرمورد دشواری های امنیتی افغانستان با مقامات نظامی آن کشور گفتگو نماید.

به نقل از فرماندهٔ جدید نیروهای آیساف گزارش شده است که، چگونگی کنترول مرز های افغانستان با پاکستان از مسایل مورد بحث وی با مقامات پاکستانی است. وقت سفرفرمانده نیروهای آیساف به پاکستان تا کنون اعلام نشده است.

شمار سربازان ناتو در زمان فرماندهی دان مک نیل از سی وسه هزار نفر به پنجاه وسه هزارنفرافزایش یافت وجنرال مک نیل در پایان ماموریتش نیز برافزایش نیروهای ناتو تأکید کرد وگفت که برای پیروز ی در افغانستان به نیروی بیشتر نیاز است.

تأثیرات ناگوار خشک سالی بر کودکان

ثمر الدين ثامر

کودکان به عنوان آسیب پذیر ترین گروه اجتماعی براثرجنگ، فقر وبیچارگی بیش از دیگران متضررمی گردند. خشک سالی که امسال دامن گیر کشور شده است، بیش از پیش کودکان در معرض تهدید قرار گرفته اند. می خواهم به گوشه یی از تهدید ها ودشواری های که کودکان و در مجموع باشندگان ولایت سمنگان دارند، اشاره یی نمایم. البته وضعیت درسمنگان نمونهٔ از وضعیت کلی حاکم بر کشورمی باشد ومردم وکودکان افغانستان در سایر ولایات با مشکلات وتهدیدهای مشابه دست وپنجه نرم می کنند.

اقتصاد هشتاد درصد مردم افغانستان متکی به زراعت و دامداری است. درنتیجهٔ خشک سالی اضرار بزرگ اقتصادی متوجه اکثریت شهروندان کشورمی گردد، زمینهٔ کار برای کارگران تقریبا از میان رفته است.کشت وزراعت در زمین نرویده واگر رویده است در روی زمین خشک شده است. به گفتهٔ یک شاهد عینی در درهٔ صوف، برخی کشت های للمی که از زمین بلندشده خشک گردیده، درو شده است. مالداران هم نسبت نبود علوفه، مواشی شان را از دست می دهند و به قیمت بسیار نازل به فروش می رسانند.

برخی مردم سمنگان برای زنده ماندن علف می خورند، در ولسوالی های درهٔ صوف مردم شدیداً به قلت آب آشامیدنی و مواد غذایی روبه رو بوده در میان مرگ و زندگی قرار گرفته اند. تعدادی هم که پول اندکی در اختیار دارند، راهی کشورهای همسایه به خصوص ایران می گردند.

به گفتهٔ یکتن از اعضای شورای ولایتی سمنگان، پسر هفت ساله و دختر نه سالهٔ نورالله از اثر گرسنگی جان دادند. آن ها از یک ماه بدینسو علف می خوردند.

یک منبع امنیتی در دره صوف بالا از رویدادی حکایه کرد که، واقعاً تکاندهنده است، پدری که به خاطر زنده ماندن روز ها به دور از دید مردم علف می خورد، بالاخره چندی پیش جان داد. چون خبر این واقعه به خانمش رسید، از هوش رفت و زمانی که او را به کلینیک منتقل نمودند، پس از چند لحظه اوهم جان داد.

آن ها هشت طفل داشتند ، پدر و مادرخویش را از دست دادند و از محبت و نوازش آنها برای ابد محروم شدند، شش تن آن کودکان را اهالی محل جهت نگهداری گرفتند، و دو تن دیگر شان را به پرورشگاه ولایت سمنگان تسلیم دادند.

چندی پیش دریک واقعهٔ دیگر در ولایت سمنگان، مرد پنجاه سالهٔ خانم سی و پنج ساله اش را به دلیل فقر طلاق داد و سه طفلش را به اقاربش تسلیم کرد واز همه چیز گذشت.

ادامه در ص۷